



کرامات امام کاظم(ع) در دوران کودکی / نظر رئیس مکتب تشیع درباره امام هفتم

امام صادق(ع) در حالی که امام موسی کاظم(ع) در سنین جوانی بود، فرمود: «علم و حکمت و فهم و سخاوت و آشنایی و حوائج دینی مردم و حسن خلق و معاشرت نیک در او جمع است، او یکی از درهای رحمت الهی است».

امام صادق(ع) در حالی که امام موسی کاظم(ع) در سنین جوانی بود، فرمود: «علم و حکمت و فهم و سخاوت و آشنایی و حوائج دینی مردم و حسن خلق و معاشرت نیک در او جمع است، او یکی از درهای رحمت الهی است».

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه خبرگزاری فارس، امام موسی کاظم(ع) معروف به کاظم، باب الحوائج و عبد صالح پس از شهادت امام جعفر صادق(ع) در سال 148 هجری رهبری شیعیان را بر عهده گرفت، ایشان عمر شریفشان را در مدینه و بغداد گذراندند، آن حضرت در 25 رجب سال 183 هجری در زندان هارون الرشید عباسی در 55 سالگی به دستور هارون مسموم شد و به شهادت رسید، مرقد شریف این امام همام نزدیک بغداد زیارتگاه شیفتگان حضرتش است.

درباره دوران کودکی و نوجوانی امام کاظم(ع) مطالب بسیار کمی مطرح شده است، به همین خاطر یکی از سؤالاتی که پیرامون زندگانی ابوالرضا(ع) مطرح می‌شود این است که دوران کودکی و رشد و تربیت امام کاظم چه امتیازی با دیگران داشت؟ مرکز مطالعات و پاسخگویی به شبهات حوزه علمیه قم در این رابطه می‌نویسد:

امام کاظم(ع) به تدریج دوران کودکی را پشت سر گذارد و در سایه پدر بزرگوارشان تربیت می‌شد و به درجه‌ای از کمال و تهذیب اخلاقی در سن کودکی رسید، امام قسمتی از دوران کودکی خود را پشت سر گذاشت، در حالی که هر روز به محبت و احترامش افزوده می‌شد و پدر او را مشمول محبت خود قرار می‌داد، به همین روی پیروان آن حضرت نیز با توجه و احترام خاص با ایشان برخورد می‌کردند.

*سیمای ظاهری امام

قامتی متعادل، با اندام میانه و زیبا بود، رنگ چهره‌اش گندمگون و نورانی و رنگ موهایش مشکی و انبوه چهره‌اش با صفا و ملکوتی، فاصله دندان‌هایش گشاد و کتف‌هایش باز و گسترده، بدنش لاغر و باریک به طوری که در هاله‌ای از ابهت و جلال قرار داشت، هیچ کس آن حضرت را مشاهده نمی‌کرد، مگر اینکه هیبتش او را می‌گرفت و او را گرمی می‌داشت.

*شخصیت و نبوغ امام در دوران کودکی و قبل از امامت

هوش و ذکاوت امام کاظم(ع) در نوجوانی مشهود و آثار نبوغ و تیز هوشی از رفتار و کردار حضرت نمایان، به طوری که باعث اعجاب و ستایش اصحاب و بزرگان قرار گرفته بود، تمام صفات پدران را که از سایر مردم امتیاز داشتند؛ همچون بزرگواری، بخشندگی، بردباری، گذشت، علم و ... برخوردار بود.

در خانواده‌ای تربیت یافت که کانون تقوی، حکمت، دانش و ریشه تمام بزرگی‌ها و فضیلت‌ها در اسلام به آن خانواده می‌رسد، امام کاظم(ع) به مدت 20 سال با پدرش امام صادق(ع) زیست که تاریخ انسانیت نظیر او را در علم، ایمان، پرهیزکاری و ... جز پدران بزرگوارش سراغ ندارد.

طی این 20 سال، در کنار فنون دانش و ریزه‌کاری‌های حکمت و منطق را فرا گرفت و برای منصب امامتی که در آینده نزدیک به او سپرده می‌شد آمادگی یافت، به گونه‌ای که در آغاز جوانی مورد مدح و ستایش برترین‌های آن زمان قرار گرفت و در حل پیچیده‌ترین مسائل مهارت بی‌نظیر داشت.

به این ترتیب تمام زمینه‌های تربیت صحیح و شخصیت‌ساز برای امام(ع) در کنار پدر فراهم بود، مورخان و سیره‌نویسان، نمونه‌هایی از این شخصیت عالی را گزارش کرده‌اند که موجب اعجاب و شگفتی است که احاطه امام را در کودکی به انواع علوم و معارف نشان می‌دهد.

-گفت‌وگوی امام با ابوحنیفه

او سفری به مدینه می‌کند تا از امام صادق(ع) در حل مشکلات خود کمک بگیرد، بیرون منزل با کودکی پنج ساله مواجه شد از او

سؤال پرسید: آن کودک جواب سؤال او را جامع‌تر از آنچه او تصور داشت، داد، ابوحنیفه پرسید: اسمت چیست؟

می‌گوید: موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن حسین بن ابیطالب صلوات الله علیهم.

دیگر بار سؤال دیگر از او پرسید: معصیت مربوط به کیست؟ از جانب خداوند یا بنده؟

امام در پاسخ می‌فرماید: از سه حال خارج نیست؛ یا از جانب خداست و هیچ به بنده مربوط نیست، در این صورت خدا حق ندارد، بنده‌ای را که هیچ کاری نکرده مواخذه کند! و یا مربوط است هم به بنده و هم به خدا، که خدا تواناترین آن دو است که شریک و عمل بوده‌اند، در این صورت برای شریک نیرومند روا نیست که شریک ناتوان خود را به دلیل گناهی که هر دو در ارتکاب آن برابر بوده‌اند مواخذه کند! یا اینکه گناه تنها مربوط به بنده است، در این صورت خدا اگر بخواهد می‌بخشد و اگر خواست کیفر می‌دهد و بنده نیازمند کمک است.

ابو حنیفه که از جواب این کودک با هوش و فهم قانع شده بود، بدون ملاقات امام رفت و با خود می‌گفت: نوادگان خاندان رسالت علم را یکی پس از دیگری به ارث برده‌اند و همگان عالم به همه علوم‌اند.

***مقام علمی امام کاظم در دوران نوجوانی**

زمانی که امام صادق(ع) به شهادت رسید، امام کاظم(ع) 20 سال بیشتر نداشت و در سن جوانی اداره کننده فکری و علمی دانشگاه وسیع و بزرگی بود که از پدر به میراث مانده بود، دانشگاهی که مدیریت علمی آن به عهده امام واگذار شد، در حال توسعه، گسترش و در برگیرنده هزاران استاد و دانشجو بود که در کلاس‌های مختلف آن از مکتب پر فیض امام صادق(ع) دانش آموخته و در پی مدارج عالی‌تری از دانش و فضیلت بودند، گروه‌های متعددی از متکلمان، فقها، محدثان، مفسران و ... متوجه مقام علمی - الهی امام موسی بن جعفر شده و از کمالات و فضایل و دانش بی‌پایان او حتی در زمان امام صادق(ع) استفاده می‌کردند.

امام کاظم(ع) دانشمندترین و با فضیلت‌ترین مرد عصر خویش بود، امام صادق(ع) درباره دانش آن حضرت چنین می‌فرماید: «فرزندم موسی به حدی آمادگی علمی دارد که اگر درباره تمام قرآن را از او پرسش شود با دانش و علم کافی که دارد، به تو پاسخ قانع کننده‌ای می‌دهد، او کانون فهم، معرفت و اندیشه است».

در وسعت و تبحر علمی او کافی است که دانشمندان و محدثان در فنون مختلف اسلامی بهره برده و به آیندگان بازگو کرده‌اند، از این رو حضرت به لقب عالم شهرت یافته است، امام صادق(ع) در حالی که موسی در سنین جوانی بودند، فرمود: «علم و حکمت و فهم و سخاوت و آشنایی و حوائج دینی مردم و حسن خلق و معاشرت نیک در او جمع است، او یکی از درهای رحمت الهی است».

در چهار سالگی درباره‌اش فرمود: «هو حق والحق معه و منه»؛ او (موسی) حق است و حق با اوست و سرچشمه حق است.

***عبادت امام**

او عابدترین فرد زمان خود بوده تا آن جایی که ملقب به سجاد، صالح و زین‌المجاهدین شده است، در کودکی صفوان جمال وارد محضر امام صادق(ع) شده و از پیشوای آینده سؤال کرد، امام فرمود: «صاحب این منصب کسی خواهند بود که لهو و لعب در زندگی او راه ندارد»، عبدالرحمان بن حجاج گوید: منزل حضرت صادق(ع) رفتن، حضرت در اتاق مخصوص مشغول عبادت بودند، ایشان دعا می‌کردند و موسی آمین می‌گفت.

حین تولد جملات آغازینش بود: اشهد الله انه لا اله الا هو و الملائكة و الروح و اولو العلم قائماً بالقسط لا اله الا هو العزيز الحكيم.

***کرامات حضرت در دوران کودکی**

حضرت رضا(ع) فرمود: پدرم از کسانی بود که در گهواره چون عیسی و یحیی سخن گفت.

محمد بن فضل گفت: پیرامون دشمنان اهل بیت از امام صادق(ع) سؤال کردم، ایشان به فرزندشان موسی فرمود: عصا را بیاور، دوباره فرمود: «ای موسی آن را بر زمین بزن و دشمنان امیرالمؤمنین(ع) را به او نشان بده»، با عصا بر زمین زد شکافته شد،

سنگ سیاهی پدیدار شد، ضربه‌ای به سنگ زد، دری باز شد و در آنجا امام، دشمنان را نشان دادند که گرفتار عذاب الهی بودند.